

هم اندیشی معرفت شناسی

آیت الله محمد تقی مصباح یزدی

غلامرضا فیاضی
محمد لگن هاوسن
مصطفی ملکیان

تدوین و نگارش:
محمد سربخشی

انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

۱۳۹۵

فهرست مطالب

۱۷.....	مقدمهٔ معاونت پژوهش
۲۱.....	مقدمه

جاسمیل: اهمیت معرفت‌شناسی و موضوع آن

۲۹.....	نقش معرفت‌شناسی در حل مسائل فلسفی و دینی
۲۹.....	تعریف معرفت‌شناسی و ریشه‌های لغوی آن
۳۰.....	خاستگاه معرفت‌شناسی
۳۳.....	تعریف سقراط و افلاطون از معرفت حقیقی
۳۴.....	تعریف ارسطو از معرفت حقیقی
۳۶.....	تعریف ابن‌سینا از معرفت حقیقی
۳۶.....	مفهوم امروزی معرفت‌شناسی در غرب
۳۶.....	تعریف بیکن از معرفت حقیقی
۳۸.....	معرفت از منظر آمبرسیسم
۴۰.....	ادراک حسی؛ نقطهٔ آغاز بحث‌های معرفت‌شناختی در جهان امروز
۴۱.....	فهم عرفی

۴۳	دشواری ضابطه‌مند کردن فهم عرفی
۴۳	تقسیم فلسفه و معرفت‌شناسی به غربی و شرقی
۴۴	موضوع معرفت‌شناسی در حوزه فلسفه اسلامی
۴۵	بدیهیات؛ بنیان معرفت‌شناسی اسلامی
۴۶	نفی فهم عرفی و تکیه بر یقین جازم مطابق با واقع ثابت
۴۶	جمع‌بندی
۴۹	بازگشت به بحث موضوع معرفت‌شناسی
۵۰	کاربرد واژه علم در معنای عام در فرهنگ اسلامی
۵۱	همراهی معرفت‌شناسی با مسائل سیاسی
۵۳	تفاوت ارزش معرفت‌شناختی علوم طبیعی و انسانی در غرب
۵۴	ارتباط معرفت با سیاست از منظر قرآن
۵۵	بازگشت به مسئله تفاوت ارزش معرفت‌شناختی علوم طبیعی و انسانی در غرب
۵۶	تفاوت معرفت‌شناسی با روان‌شناسی ادراک
۵۷	تفاوت معرفت‌شناسی با وجودشناسی فلسفی
۵۸	اصطلاح عام و خاص معرفت‌شناسی
۶۰	ضرورت پرهیز از بحث‌های استطرادی
۶۱	تفاوت فلسفه‌های مضاف با فلسفه‌های علم مضاف
۶۳	اهمیت معرفت‌شناسی در قرآن و روایات

جلسه دوم: تاریخچه معرفت‌شناسی و انواع بحث‌های معرفت‌شناسی

۶۷	تأثیر بحث تاریخی از یک علم بر نوع تفکر انسان درباره آن علم
۶۸	بحث‌های مربوط به تاریخچه معرفت‌شناسی
۶۸	سرآغاز بحث‌های معرفت‌شناختی در غرب
۶۹	دخالت عناصر ارزشی در بحث‌های تاریخی
۷۲	توجه به رویکردها در بررسی دیدگاه‌ها
۸۰	رویکرد برون‌گرایانه و درون‌گرایانه
۸۱	عدم استفاده ابزاری از بحث‌های تاریخی

۸۲	هدف معرفت‌شناسی از دیدگاه اسلام
۸۳	انواع بحث‌های معرفت‌شناختی
۸۳	ماهیت علم
۸۴	ماهیت عالم
۸۴	مصادق معلوم
۸۵	گستره علم
۸۶	انواع علم
۸۷	تقسیم علم برحسب انواع معلوم
۹۲	تقسیم علم برحسب قوا
۹۲	تقسیم علم برحسب روش
۹۳	تقسیم علم برحسب درجات یقین
۹۳	تقسیم علم برحسب غایت
۹۴	تقسیم علم برحسب عالمان
۹۴	تقسیم علم برحسب نشئات عالم
۹۴	مبحث اصلی معرفت‌شناسی
۹۵	مبناگرایی و انسجام‌گرایی
۹۶	باور صادق موجه
۹۸	ارتباط تعریف علم با اقسام آن
۹۸	لزوم اتخاذ معنای عام برای موضوع معرفت‌شناسی
۹۹	معانی علم
۹۹	معنای اول: معنای لغوی علم
۱۰۰	معنای دوم: مطلق انکشاف واقع
۱۰۱	معنای سوم: علم حصولی
۱۰۱	معنای چهارم: تصدیق
۱۰۱	معنای پنجم: تصدیق یقینی
۱۰۱	معنای ششم: تصدیق یقینی مطابق با واقع
۱۰۲	معنای هفتم: تصدیق یقینی موجه مطابق با واقع

معنای هشتم: مجموعه قضایای متناسب.....	۱۰۳
معنای نهم: مجموعه قضایای متناسب کلی.....	۱۰۳
معنای دهم: مجموعه قضایای کلی حقیقی.....	۱۰۴
معنای یازدهم: ساینس.....	۱۰۴
معنای دوازدهم: باور صادق موجه.....	۱۰۴
معنای دوم علم: موضوع معرفت‌شناسی.....	۱۰۵
پیش‌فرض‌های اخذ معنای دوم به عنوان موضوع معرفت‌شناسی.....	۱۰۶
ضرورت یا عدم ضرورت موضوع واحد برای علم.....	۱۰۹
ضرورت عام بودن موضوع معرفت‌شناسی.....	۱۱۰
وجه انحصار بحث‌های معرفت‌شناختی غربی در باور صادق موجه.....	۱۱۱
اشتراک لفظی یا معنوی واژه علم.....	۱۱۱
بازگشت به بحث ضرورت عام بودن موضوع معرفت‌شناسی.....	۱۱۲
وجود جامع مشترک بین مصادیق مختلف علم.....	۱۱۳

جلسه سوم: تئوری تعریف

خلاصه بحث جلسه گذشته.....	۱۱۷
تئوری تعریف و پرسش‌های ناظر به آن.....	۱۱۷
عرفی یا فلسفی بودن تقسیم موجودات به باشعور و بی‌شعور.....	۱۲۲
ناسازگاری این تقسیم با اعتقادات دینی.....	۱۲۳
ذومراتب بودن شعور و آگاهی.....	۱۲۳
ابهام در تعیین جایگاه برخی از مصادیق.....	۱۲۴
تفاوت علم و آگاهی.....	۱۲۴
نسبت علم و آگاهی.....	۱۲۸
اشتراک لفظی واژه شعور.....	۱۳۰
راه دستیابی به مفهوم عام علم.....	۱۳۲
ذهنی بودن تقسیم موجودات به باشعور و بی‌شعور.....	۱۳۶
حجیت ظواهر.....	۱۳۷

۱۳۸	تئوری‌های تعریف
۱۴۱	بررسی تقسیم موجودات به باشعور و بی‌شعور بر اساس فهم عرفی
۱۴۲	مشکک بودن علم و بافت حضوری آن
۱۴۳	تفاوت تقسیم با قضیه منفصله
۱۴۴	حجیت ظواهر در امور غیرفقهی
۱۴۴	مفاد قضیه «الموجود إما شاعر او غیر شاعر»
۱۴۵	شباهت تقسیم با قضیه منفصله
۱۴۶	تفاوت تردید و تقسیم
۱۴۶	بررسی حجیت ظواهر در امور غیرفقهی
۱۴۸	فهم عرفی یا جعل اصطلاح؛ منشأ عمومیت مفهوم علم
۱۴۹	عمومیت مفهوم علم با استناد به علم حضوری
۱۵۱	حقیقت تعریف
۱۵۳	اقسام مفاهیم و روش تعریف هر کدام
۱۵۶	نحوه تعریف علم
۱۵۷	روش تعریف معقولات ثانی

جلسه چهارم: تعریف علم

۱۶۳	تعریف علم به باور صادق موجه
۱۶۹	نقد تعریف علم به باور صادق موجه
۱۷۰	تفکیک تعریف ثبوتی علم از تعریف اثباتی آن
۱۷۲	قراردادی بودن معنای علم
۱۷۴	عدم تأثیر کذب مقدمات در صدق نتیجه
۱۷۵	منشأ اختلاف فلاسفه غرب درباره تعریف علم
۱۷۶	اعم بودن توجیه از توجیه بالقوه و بالفعل
۱۷۷	معنای مورد نظر فیلسوفان غربی از علم
۱۷۹	تأکید بر قراردادی بودن معنای علم
۱۸۰	شهودی نبودن درک معنای علم توسط عرف

۱۸۲	تأثیر نداشتن ارتباط معرفت‌شناسی با روان‌شناسی در تعریف علم
۱۸۴	تشخیص مصادیق علم و قراردادی بودن معنای آن
۱۸۵	دخالت عنصر روان‌شناختی در معنای علم
۱۸۶	اقسام قرارداد و تأثیر آن در فهم مصادیق لفظ
۱۸۸	حیثیات مختلف و ضرورت تفکیک آنها

جلسه پنجم: چیست علم

۱۹۳	حقیقت علم
۱۹۷	تفاوت در شناخت حقیقت امور محسوس و غیر محسوس
۲۰۰	تفاوت جهل و خطا از نظر سقراط
۲۰۰	تفاوت علم و خطا
۲۰۱	تفاوت علم و رأی
۲۰۲	تفاوت علم و رأی: ثبات و عدم ثبات
۲۰۳	عامل ثبات در علم
۲۰۶	اشتراک علم و رأی در سودمندی
۲۰۶	تفاوت واژه رأی و باور
۲۰۷	دوگانگی عالم و معلوم و دارایی بودن علم
۲۰۷	لحاظ غایت در تعریف علم
۲۱۰	اهمیت بحث‌های تاریخی و نقش آنها در معرفت‌شناسی
۲۱۲	اهمیت بررسی معنای واژه‌ها و اصطلاحات
۲۱۴	تعریف علم به باور؛ تعریف به امر مبهم
۲۱۵	تعریف درست علم و خطا
۲۱۷	اشکالات تعریف علم به باور صادق موجه
۲۲۰	نقد دیدگاه سقراط در باب تفاوت علم و رأی

جلسه ششم: بررسی تعاریف علم

۲۳۱	وجودی بودن علم و دوگانگی عالم و معلوم
۲۳۴	تعریف علم با توجه به دوگانگی عالم و معلوم

۲۳۵	اشکالات تعریف علم به «حصول صورت شیء در ذهن»
۲۳۶	دوگانگی حقیقی یا اعتباری
۲۴۱	حقیقت توجه و نسبت آن با نفس
۲۴۲	تأکید بر ثبوتی بودن حقیقت علم
۲۴۳	اشکال دور و راه تفصی از آن
۲۴۴	حیث التفاتی در علم
۲۴۶	اشکالات تعریف بالمثال
۲۴۷	نفی دوگانگی در معنای عام علم
۲۵۰	پاسخ به اشکال وارد شده بر تعریف بالمثال
۲۵۲	نگاه ماشین‌انگارانه به تعریف علم پس از دکارت
۲۵۸	جای‌گزینی لفظ به جای مفهوم در معرفت‌شناسی معاصر

جلسه هفتم: موضوع معرفت‌شناسی و اقسام تعریف

۲۶۹	موضوع معرفت‌شناسی در سنت اسلامی
۲۷۲	اقسام تعریف
۲۷۲	تعریف به ذاتی و عرضی
۲۷۲	تعریف بالمصداق
۲۷۳	اشکال به تعریف از راه اشاره
۲۷۴	تعریف متنی یا سیاقی
۲۷۵	تعریف عملی
۲۷۷	مقایسه اهمیت تعریف در فلسفه یونان و معاصر
۲۸۰	احکام و شروط تعریف در سنت اسلامی
۲۸۴	مقایسه مسئله تعریف در سنت اسلامی و غربی
۲۸۵	تعریف در منطق اسلامی
۲۸۵	اصول موضوعه تعریف‌های حقیقی
۲۸۷	امکان تعریف حدی بر اساس سنت اسلامی
۲۸۹	ملاحظات در باب مسئله تعریف (۱)

۲۹۳	موضع فلسفه اسلامی در معرف
۲۹۴	تعریف علم بر اساس اصول موضوعه فوق
۲۹۵	حقیقت مفهوم علم
۲۹۸	ملاحظات در باب مسئله تعریف (۲)
۳۰۰	ملاحظات در باب مسئله تعریف (۳)

جلسه هشتم: تقسیم علم به حضوری و حصولی

۳۰۳	تقسیم علم به حضوری و حصولی
۳۰۴	پیشینه تقسیم علم به حضوری و حصولی در فلسفه غرب
۳۱۳	توجه پدیدارشناسان به موضوع علم حضوری
۳۱۸	تعریف علم حضوری و حصولی
۳۲۰	حقیقی یا قراردادی بودن تعریف علم حضوری و حصولی
۳۲۳	اشاره‌ای دوباره به پیشینه علم حضوری در فلسفه غرب
۳۲۶	کاربرد علم به معنای عام در فلسفه غرب
۳۲۶	تفاوت علم حضوری و حصولی
۳۲۷	دایره شمول علم حضوری

جلسه نهم: علم حضوری در فلسفه غرب

۳۳۱	پیشینه علم حضوری و حصولی در فلسفه غرب
۳۳۴	توجه به تفاوت معنای واژه ذهن در فلسفه اسلامی و غرب
۳۳۵	اقسام سه گانه پدیدار از نظر برتانو و معنای اصطلاح عشق
۳۳۷	تفاوت دیدگاه برتانو با علم حضوری در فلسفه اسلامی
۳۴۰	تعاریف علم حضوری و حصولی از طریق ذکر تفاوت‌های آنها
۳۴۱	واسطه داشتن و نداشتن
۳۴۲	عینیت و عدم عینیت وجود علمی و عینی معلوم
۳۴۳	تعدد و عدم تعدد معلوم
۳۴۴	علم به وجود و علم به ماهیت

۳۴۶	کلیت و جزئیت
۳۴۷	خطاپذیری و خطاناپذیری
۳۴۷	تقسیم و عدم تقسیم به تصور و تصدیق

جلسه دهم: علم حضوری

۳۴۹	نگاهی دوباره به پیشینه علم حضوری در فلسفه غرب
۳۵۱	مراحل بحث از علم
۳۵۱	معنای علم
۳۵۲	تقسیم علم به حصولی و حضوری
۳۵۳	اثبات علم حضوری
۳۵۳	اقسام علم حضوری
۳۵۴	تعریف علم حصولی و حضوری
۳۵۵	وجه تقسیم علم به حضوری و حصولی
۳۵۷	نقدی بر حصولی دانستن علم واجب تعالی به مادیات
۳۵۸	پیش فرض‌های تقسیم علم به حضوری و حصولی
۳۶۱	اصل وجود علم: پیش فرض کافی برای تقسیم آن به دو قسم حصولی و حضوری
۳۷۵	بررسی مفهوم شیء

جلسه یازدهم: علم حصولی

۳۸۳	وجدانی بودن تقسیم علم به حضوری و حصولی
۳۹۱	ضرورت علم به واسطه در علم حصولی، و شأنی بودن حکایت
۳۹۳	معنای واسطه
۳۹۴	معنای واسطه در علم حصولی
۳۹۷	مصادیق واسطه در علم حصولی از نظر ملاصدرا
۳۹۹	حق یا ناحق بودن تجرید ذهنی
۳۹۹	محدود بودن دایره علوم حصولی
۴۰۱	چگونگی پیدایش آگاهی نفس به واسطه در علم حصولی

۴۰۴	تقسیم محکی به حقیقی و اعتباری
۴۰۵	اشکال به تعریف علم حضوری و حصولی
۴۰۶	تفکیک بین محکی و مصداق؛ راه‌حل پاسخ به اشکال فوق
۴۰۷	تفاوت حکایت با اثبات مصداق
۴۰۸	اشکال در ارجاع علوم حصولی به حضوری
۴۰۹	معانی بازگشت علوم حصولی به حضوری
۴۱۱	چگونگی فرایند تعمیم و تجرید

جلسه دوازدهم: احکام علم حصولی

۴۱۵	ادامه بحث درباره پیشینه علم حضوری در فلسفه غرب
۴۱۶	شباهت دیدگاه پیرس با علم حضوری
۴۲۰	تقسیم علم به حضوری و حصولی؛ موضوع مرتبط با معرفت‌شناسی
۴۲۱	معنای وجود واسطه در علم حصولی
۴۲۲	جایگاه ادراکات حسی
۴۲۳	بررسی دیدگاه پیرس درباره تسلسل موجود در واسطه‌ها
۴۲۵	معنای واسطه
۴۲۵	رابطه حاکمی و محکی و تفاوت محکی با مصداق
۴۲۶	کلیت حاکمی
۴۲۷	ضرورت توجه به تقسیم معلوم به بالذات و بالعرض
۴۲۹	تفسیر چگونگی حاکمیت
۴۳۰	کلی یا جزئی بودن صور ذهنی
۴۳۱	معانی علم و حکایت

جلسه سیزدهم: اقسام علم حضوری

۴۵۷	اقسام علم حضوری
۴۵۸	تفسیر دیدگاه مشائیان
۴۵۸	حضوری بودن تعقل در نزد مشائیان

۴۵۹.....	علم حضوری به قوای نفس.....
۴۶۱.....	تفاسیر مختلف دربارهٔ رابطهٔ نفس و قوا.....
۴۶۳.....	بررسی علم حضوری به غیر ذات و ملاک تحقق آن.....
۴۶۵.....	دیدگاه علامه در اقسام علم حضوری.....
۴۶۷.....	جمع‌بندی اقوال در اقسام علم حضوری.....
۴۶۸.....	بررسی اقوال.....
۴۶۹.....	علم حضوری علت به معلول مادی.....
۴۷۷.....	بررسی دلیل علم حضوری به ذات.....
۴۸۰.....	مبنای استنباط اقسام علم حضوری.....
۴۸۴.....	بررسی اقسام علم حضوری نزد مشائیان.....
۴۸۵.....	اقسام علم حضوری بعد از مشائیان.....
۴۸۶.....	ضرورت توجه به تقسیم علم حضوری به آگاهانه و ناآگاهانه.....
۴۸۷.....	اقسام علم حضوری در نزد ملاصدرا.....
۴۸۸.....	نیاز به واسطه در علم مجردات به مادیات.....
۴۸۹.....	بررسی دیدگاه حکیم سبزواری دربارهٔ علم معلول به علت در مقام فنا.....
۴۹۱.....	نسبت اعراض با نفس، و علم حضوری نفس به آنها.....
۴۹۲.....	ملاک تحقق علم حضوری.....

جلسه چهاردهم: احکام علم حضوری

۴۹۳.....	درون‌بینی و رابطهٔ آن با علم حضوری.....
۴۹۴.....	ویژگی‌های درون‌بینی.....
۴۹۶.....	تقسیم درون‌بینی بر اساس معلوم.....
۵۰۱.....	تفکیک بین واقعیت‌های نفسانی و علم به آنها.....
۵۰۳.....	تفکیک علم حضوری از توجه به آن.....
۵۰۵.....	صدق و کذب‌ناپذیری در درون‌بینی.....
۵۰۸.....	تفاوت کوالیا و کوالیتی.....
۵۰۹.....	وجود واسطه در ادراک حسی یا عدم آن.....

۵۱۱	 هوهویت شخصی
۵۱۲	 ملاک‌های هوهویت
۵۱۴	 معانی علم به خود
۵۱۶	 نسبت علم حضوری با ترس و امثال آن
۵۱۷	 وجه نیازمندی به توجه در علم حضوری
۵۱۹	 نکات درخور توجه
۵۲۵	 نمایها

مقدمه معاونت پژوهش

حقیقت اصیل ترین، جاودانه ترین و زیباترین راز هستی و نیاز آدمی است که سلسله مؤمنان و عالمان صادق چه جان ها که در راه آن نباخته، و جاهلان و باطل پرستان چه توطئه ها و ترفندها که برای محو و مسخ آن نساخته اند. چه تلخ واقعیتی است مظلومیت حقیقت، و چه شیرین حقیقتی است این واقعیت که در مصاف همیشگی حق و باطل، حق سربلند و سرفراز است و باطل از بین رفتنی و نگویند. این والا و بالانشینی حقیقت، گذشته از سرشت حق، وامدار کوشش های خالصانه و پایان ناپذیر حقیقت جویانی است که در عرصه نظر و عمل کمر همت محکم بسته و از دام و دانه دنیا رسته اند، و در این میان، نقش و تأثیر ادیان و پیامبران الهی، و به ویژه اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جانشینان برحق و گرامی او علیه السلام، برجسته ترین است.

دانشمندان نام آور شیعه رسالت خطیر و بی نظیر خویش را بهره گیری از عقل و نقل و غوص در دریای معارف قرآن و برگرفتن گوهر ناب حقیقت از سیره آن پیشوایان و عرضه آن به عالم بشری و دفاع جانانه در برابر هجوم ظلمت پرستان حقیقت گریز دانسته و در این راه دیده ها سوده و جان ها فرسوده اند. اکنون در عصر بحران معنویت که دشمنان حقیقت و آدمیت هر لحظه با تولید و انتشار فزون از شمار آثار نوشتاری و دیداری و به کارگیری انواع ابزارهای پیشرفته سخت افزاری و نرم افزاری در عرصه های گوناگون برای سیطره بر جهان می کوشند، رسالت حقیقت خواهان و اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی، به ویژه عالمان دین، بس عظیم تر و سخت دشوارتر است.

در جهان تشیع، پژوهشگران حوزوی در علوم فلسفی و کلامی، تفسیری و حدیثی، فقهی و اصولی و نظایر آن کارنامه درخشانی دارند، و تأملات ایشان بر تارک پژوهش‌های اسلامی می‌درخشد. در زمینه علوم طبیعی و تجربی و فناوری‌های جدید نیز پژوهشگران ما تلاش‌هایی چشمگیر کرده، گام‌هایی نویدبخش برداشته و به جایگاه درخور خویش در جهان نزدیک شده‌اند، و می‌روند تا با فعالیت‌های روزافزونشان مقام شایسته خویش را در صحنه علمی بین‌المللی باز یابند. ولی در قلمرو پژوهش‌های علوم اجتماعی و انسانی تلاش‌های دانشمندان این مرز و بوم آن گونه که شایسته نظام اسلامی است به بار ننشسته و آنان گاه به ترجمه و اقتباس نظریات دیگران بسنده کرده‌اند. در این زمینه کمتر می‌توان ردپای ابتکارات و به‌ویژه خلاقیت‌های برخاسته از مبانی اسلامی را یافت و تا رسیدن به منزلت مطلوب راهی طولانی و پرچالش درپیش است. از این رو، افزون بر استنباط، استخراج، تفسیر و تبیین آموزه‌های دینی و سازماندهی معارف اسلامی، کاوش در مسائل علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه اسلامی و تبیین آنها از مهم‌ترین اهداف و اولویت‌های مؤسسات علمی به‌ویژه مراکز پژوهشی حوزه‌های علمیه است.

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^۳ در پرتو تأییدات رهبر کبیر انقلاب اسلامی و حمایت‌های بی‌دریغ خلف صالح وی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «مد ظله العالی» از آغاز تأسیس بر اساس سیاست‌ها و اهداف ترسیم شده از سوی حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی «دامت برکاته» به امر پژوهش‌های علمی و دینی اهتمام داشته و در مسیر برآوردن نیازهای فکری و دینی جامعه، به پژوهش‌های بنیادی، راهبردی و کاربردی پرداخته است. معاونت پژوهش مؤسسه برای تحقق این مهم، افزون بر برنامه‌ریزی و هدایت دانش‌پژوهان و پژوهشگران، در زمینه نشر آثار محققان نیز کوشیده و بحمدالله تاکنون آثار ارزنده‌ای را در حد توان خود به جامعه اسلامی تقدیم کرده است.

کتاب پیش روی، جلسات اول تا چهاردهم دوره نخست میزگردهای معرفت‌شناسی است که در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۷ در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی* و با مدیریت علمی حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی^{ره} و حضور حجت‌الاسلام والمسلمین غلامرضا فیاضی، دکتر محمد لگنهاوسن و جناب آقای مصطفی ملکیان برگزار شده است. این مجموعه با تلاش پژوهشگر ارجمند حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد سربخشی نگارش یافته است. هدف اصلی کتاب ارائه مبانی و دیدگاه‌های فلاسفه اسلامی در حوزه معرفت‌شناسی برای پژوهشگران این حوزه است. معاونت پژوهش، از شرکت‌کنندگان میزگردها و نمایندگان آنها که با مطالعه و بازبینی متن پیش رو بر اتقان و غنای آن افزوده‌اند، قدردانی می‌کند.

معاونت پژوهش

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*

مقدمه

اختلاف در مباحث علمی سابقه‌ای بس طولانی دارد؛ به طوری که شاید هیچ دوره‌ای از تاریخ را نتوان یافت که دانشمندان در موضوعات علمی اختلاف‌نظرهای جدی نداشته باشند این اختلافات که در تمام رشته‌های علمی کم و بیش وجود داشته از سویی موجب بحث و نقد و کاوش علمی، و در نتیجه، پیشرفت در علوم شده، و از سوی دیگر، باعث کندی و شاید در برخی مواقع ایستایی موضوع گردیده است. توجه به تاریخ تحولات علوم نشان می‌دهد که به طور معمول فرایند پیدایش اختلاف چنین بوده است که دانشمندی دیدگاهی را مطرح کرده و در نوشته‌های آن را نگاشته یا توسط شاگردان خود به افراد و نسل‌های بعدی منتقل کرده است، و در همین زمان کسانی که با این دیدگاه‌ها مواجه شده‌اند، اعم از استادان آن فن یا شاگردان تیزهوشی که در درس استاد حاضر بوده و به درستی مقصود استاد را درک کرده‌اند، نقدهایی بر این دیدگاه وارد ساخته و باب مباحثه و اختلاف علمی را گشوده‌اند. گفت‌وگوهایی را که بین سقراط و سوفیست‌ها و دیگر فلاسفه یونان باستان شکل گرفته است، می‌توان نمونه‌ای از این مباحثات دانست. همچنین محاورات سقراط با شاگردانش، به خصوص گفت‌وگوهای او با افلاطون، نمونه‌ای از مباحثات علمی بین استادان و شاگردان تیزهوش آنهاست. همچنین گفت‌وگوهای ارسطو با استاد خود، یعنی افلاطون، نمونه دیگری از این موارد است.

روشن است که گفت‌وگوی حضوری هرچند میان استاد و شاگردی تیزهوش باشد، در رشد افکار علمی استاد هم تأثیری بسزا دارد، و به این ترتیب، پیشرفت کلی علم در

آن موضوع سریع‌تر رخ می‌دهد؛ در مقایسه با اینکه دیدگاه‌ها مکتوب شود و در زمان حیات یا پس از مرگ صاحبان آنها، به‌دست دیگر اندیشمندان برسند و نقد شوند. گفت‌وگوی حضوری باعث می‌شود صاحب‌نظر در صدد تصحیح و تکمیل دیدگاه خود برآید و ابهام‌های آن را برطرف سازد. چه‌بسا با گفت‌وگو صاحب دیدگاه متوجه کاستی‌ها و اشکالات دیدگاه خود شود و در صدد اصلاح آن برآید و بلکه به طور کلی آن را کنار نهد. به این ترتیب، بخش درخور توجهی از دعوای علمی که در طول تاریخ پدید آمده است، ممکن بود منتفی شود. چه بسیار رخ داده که بر اثر عدم اشتراک تصور خواننده با نویسنده در مورد یک واژه یا اصطلاح و یا عبارتی، اختلافی پدید می‌آید که در تاریخ ماندگار شده و راه برون‌رفت از آن مسدود گشته است.

نمونه‌هایی از این گفت‌وگوها که در حوزه اندیشه اسلامی رخ داده است شاهد روشنی بر این مدعا است. از باب نمونه، مباحثات بهمنیار با استادش ابن‌سینا، که در کتاب مباحثات گرد آمده‌اند، از این قبیل است. اگر این مباحثات شکل نمی‌گرفت و افکار شیخ تنها از طریق نوشته‌هایش منتقل می‌شد و نقد و بررسی آنها از همین طریق صورت می‌گرفت قطعاً روشنگری‌هایی که در کتاب مباحثات رخ داده، صورت نمی‌پذیرفت و چه‌بسا مکتب مشاء این‌گونه که امروزه و از طریق کتاب‌هایی همچون مباحثات برای ما شناخته و تعریف شده، معلوم نمی‌گشت. نمونه دیگری که در حوزه اندیشه اسلامی برای این گونه مباحثات می‌توان برشمرد، جلساتی است که به طور معمول مراجع و علمای بزرگ حوزه با اصحاب استفتای خود برگزار می‌کنند و به بررسی مسائل و موضوعات مختلف می‌پردازند و پس از گفت‌وگو با آنان فتوا می‌دهند. چه‌بسا این گفت‌وگوها سبب می‌شود نظر مرجع درباره موضوعی تغییر کند و فتوای دیگری صادر شود. می‌توان گفت برکاتی که چنین جلسات و مباحثاتی دارند، هرچند عمومیت نداشته باشند، بسیار زیاد و درخور توجه‌اند، به طوری که بدون این گفت‌وگوها شاید به دست آمدن نتایج حاصل از آنها سال‌ها طول کشد.

با توجه به این برکات است که باید در صدد احیا و گسترش چنین شیوه‌ای براییم تا بتوان با ترتیب دادن گفت‌وگو بین دانش‌پژوهان یک رشته زمینه رشد روزافزون آن را فراهم آوریم. به‌خصوص اگر بتوان این گفت‌وگو را میان عالمان و صاحب‌نظران آن رشته و حتی رشته‌های دیگر ترتیب داد، تأثیر بسزایی در روشن شدن جوانب موضوع، مشکلات فرارو و پاسخ‌هایی که احیاناً می‌توان به این مشکلات داد خواهد گذاشت. از برکات دیگر تحقق چنین ایده‌ای رفع دوقطبی‌هایی است که احیاناً در برخی از مکاتب و فرقه‌ها پدید آمده است. محض نمونه، اگر این گفت‌وگوها درباره فلسفه اسلامی رخ دهد و صاحب‌نظران این رشته با علما و دانشمندانی که مخالف فلسفه‌اند حضوراً به مباحثه بپردازند چه‌بسا بسیاری از اختلافات برطرف شود. متأسفانه بر اثر عدم تحقق چنین ایده‌ای یا کم‌رنگ بودن آن، اختلافات موجود گاهی تا حد تکفیر یکدیگر پیش رفته و تقابل‌های غیر قابل قبولی پدید آمده است. کسانی که آشنایی هرچند اندک و اجمالی با فلسفه اسلامی دارند می‌پذیرند که بخش درخور توجهی از اشکالات و ایرادهایی که بر فلسفه اسلامی وارد شده و به نتایج نامطلوبی انجامیده، ناشی از عدم تحقق این گفت‌وگوها و در نتیجه سوءتفاهم‌هایی است که بین فلاسفه و دیگران رخ داده است. طبیعی است که متولیان هر دانشی اصطلاحات خاصی برای بیان مقاصد خود وضع، و معنای خاصی از آنها اراده می‌کنند و چه‌بسا ناآشنایی با این اصطلاحات موجب سوءتفاهم‌هایی مشکل‌ساز می‌شود. بی‌شک فلاسفه اسلامی داعیه دین‌داری دارند و بسیاری از آنان، و بلکه می‌توان گفت قریب به اتفاق ایشان فلسفه را به‌مثابه ابزاری برای فهم حقیقت و در نتیجه فهم دین و اعتقادات دینی به کار می‌گیرند. این امر به‌قدری روشن است که حتی برخی منتقدان و مخالفان فلسفه نیز وقتی به انکار فلسفه و فلاسفه می‌پردازند بدان اعتراف می‌کنند و نقد و انکار خود را متوجه مطالب فیلسوفان می‌دانند، نه خود فلاسفه.

اینکه می‌گوییم چنین گفت‌وگوهایی می‌تواند به برطرف شدن اختلافات بینجامد به این معنا نیست که همهٔ اختلافات با این گفت‌وگوها از میان خواهد رفت؛ اما دست‌کم می‌توان امیدوار بود که بخشی از آنها برطرف، و دیدگاه‌ها به هم نزدیک‌تر شوند. همچنین می‌توان امیدوار بود که با اتخاذ چنین شیوه‌ای نقد اندیشه‌ها به صورت سریع‌تری رخ دهد و نتیجه‌ای که از آنها انتظار می‌رود زودتر حاصل شود.

تشکیل جلسات گفت‌وگو و مباحثه در تمام رشته‌های علمی مفید و سازنده است؛ اما این کار در رشته‌ای همچون فلسفه و علوم عقلی جایگاه ویژه‌ای دارد. چنان‌که پیش‌تر گفته شد، اختلافات و تقابل‌ها در حوزهٔ علوم عقلی بیش از دیگر علوم است. همچنین تقابل‌هایی که در طول تاریخ تشیع بین اخباریون و اصولیان بوده یا مخالفت‌های برخی علمای حوزه با فلسفه، یا نقدهایی که پیروان مکتب تفکیک بر فلسفه وارد کرده‌اند، ضرورت اتخاذ شیوهٔ فوق در حوزهٔ علوم عقلی، به‌ویژه فلسفه را دوچندان ساخته است. به نظر می‌رسد اگر بتوانیم با ترتیب دادن جلساتی صاحب‌نظران رشته‌های مختلف را در کنار هم گرد آوریم تا با انگیزهٔ حقیقت‌جویی به صورت مستقیم دربارهٔ موضوعات اختلافی به گفت‌وگو بپردازند، خواهیم توانست بخش درخور توجهی از این تقابل‌ها را برطرف سازیم و دست‌کم افق دیدگاه‌ها را به هم نزدیک کنیم. واقعیت این است که کسانی که در حوزهٔ علوم فلسفی مشغول بحث و فحص‌اند مدعی درک انحصاری حقیقت نیستند و کاملاً آماده‌اند با شنیدن نقدهای علمی و منطقی از مواضعی که گفته می‌شود احياناً با اندیشه‌های صحیح دینی در تضاد و تعارض است دست بکشند. روشن است که تفتن به اشکالات دیدگاه‌های اتخاذشده توسط یک فرد بدون گفت‌وگو با او و نشان دادن اشکالات چندان آسان نیست و طبیعی است که انتظار داشته باشیم قبل از انکار و نفی یک اندیشه و صاحب آن، به نحو منطقی و با گفت‌وگوی روشن و بین‌وی را متوجه اشکالات دیدگاهش سازیم. امید است این شیوه پسنديده در میان صاحب‌نظران رواج یابد و کمکی شایسته به کشف حقیقت نماید و از مشاجرات نامطلوب بکاهد.

نکته مهمی که وجه انتخاب موضوع معرفت‌شناسی برای این مجموعه را روشن خواهد ساخت این است که علوم عقلی، به طور کلی، و نیز فلسفه، در درون خود بخش‌های مختلفی دارند. به‌ویژه در دوران گذشته، اصطلاح فلسفه معنای بسیار عامی داشته و تقریباً همه علوم نظری را که به روش عقلی بررسی می‌شدند دربرمی‌گرفته است. حتی طبیعیات که امروزه با عنوان علوم تجربی شناخته می‌شود، و نیز ریاضیات و موسیقی، جزو فلسفه تلقی می‌شدند. یکی از بخش‌های مهم فلسفه در گذشته «منطق» بود که گاه نیز آن را به عنوان آلت و ابزاری برای دیگر علوم در نظر می‌گرفتند؛ اما به سبب اهمیت منطق اهتمام ویژه‌ای به آن داشتند. به این ترتیب بسیاری از بحث‌هایی که امروزه تحت عنوان متدلوزی، معرفت‌شناسی و فلسفه علم مطرح است، ذیل علم منطق مطرح و بررسی می‌شد. اما امروزه به سبب گسترش شگفت‌آوری که در حوزه علوم رخ داده و تعدد مسائلی که در هر علم مطرح است دانشمندان وادار شده‌اند هر یک از موضوعات نام‌برده را در یک علم جداگانه بررسی کنند. از این‌رو، امروزه فلسفه علم و معرفت‌شناسی، رشته‌های علمی جدا به‌شمار می‌آیند و از منطق تفکیک می‌شوند.

اگر بخواهیم میان علوم عقلی، به‌ویژه موضوعات مختلف فلسفی نسبت‌سنجی کنیم و تقدیم و تأخیر منطقی میان آنها را در نظر بگیریم باید بگوییم معرفت‌شناسی بر همه آنها مقدم است. می‌توان گفت تقریباً تمام مواضعی که در علوم دیگر اتخاذ می‌شود و احیاناً دیدگاه دو صاحب‌نظر در تضاد و تعارض با هم واقع می‌شوند ناشی از اصول و مبانی پذیرفته‌شده در معرفت‌شناسی است. بنابراین طبیعی و منطقی آن است که برای رسیدن به مبانی واحد یا دست‌کم نزدیک به هم، اولین گفت‌وگو از همین موضوع آغاز شود و شیوه پیشنهادی مزبور در همین جا اجرا گردد. بر همین اساس، آنچه در این مجموعه خواهید خواند گفت‌وگو‌هایی است که میان صاحب‌نظران علوم عقلی و احیاناً برخی استادان رشته‌های دیگر انجام شده و پس از تدوین و تنظیم از حالت گفتاری به صورت نوشتاری درآمده است. در فرایند تدوین این گفتارها

کوشیده‌ایم به رسم حفظ امانت شکل و شمایل گفتاری بحث‌ها به طور کلی از بین نرود و در عین حال تکرارها حذف شود و نقایصی که احياناً در بیان شفاهی مطالب پیش می‌آید برطرف گردد و احياناً در ترتیب مطالب تقدیم و تأخیر منطقی صورت پذیرد. همچنین سعی شده است نتیجه کار به سمع و نظر صاحب‌نظران شرکت‌کننده در گفتارها برسد و مورد تأیید ایشان قرار گیرد. در عین حال ممکن است آن گونه که شایسته و بایسته است این امر رخ نداده و اشکالاتی در کار باشد که امید است خوانندگان عزیز و صاحب‌نظران فرهیخته به دیده اغماض بر کار بنگرند و مجموعه دست‌اندرکاران این مکتوب را از راهنمایی‌های مشفقانه خود بهره‌مند سازند.

نیز بایسته است به استحضار خوانندگان عزیز برسد که مجموعه حاضر تحت عنوان «میزگردهای معرفت‌شناسی» در دو دوره مختلف بین سال‌های ۷۵ تا ۷۹ و ۷۹ تا ۸۳ برگزار شده است و استادان گران‌قدر و صاحب‌فضلی با حضور خود به ارائه بحث‌ها و طرح دیدگاه‌هایشان پرداخته‌اند. آنچه پیش رو دارید جلد اول از دوره اول میزگردهای معرفت‌شناسی است. امید است مجلدات دیگر نیز به‌زودی آماده، و چاپ شود. در تدوین میزگردها نکاتی مراعات شده است که فهرست‌وار بدین قرارند:

۱. هر جلسه از میزگردها به صورت یک فصل مجزا تدوین، و عنوان خاصی برای آن انتخاب شده است؛

۲. تاریخ برگزاری و اسامی شرکت‌کنندگان در هر میزگرد در ابتدای هر فصل ذکر شده است؛

۳. سرفصل‌ها و عنوان‌ها، در فرایند تدوین انتخاب شده‌اند و لزوماً مورد نظر استاد طرح‌کننده مباحث نبوده‌اند. کوشش شده عناوین متناسب با مباحث انتخاب، و ارتباط منطقی عناوین با مطالب و همچنین ارتباط خود مطالب حفظ شود؛

۴. نام استاد و صاحب نظر گوینده مطالب در ابتدای هر بخش درج شده و تا جایی

که نام صاحب نظر دیگری نیامده مطالب مربوط به همان فرد است؛

۵. اغلب پاورقی‌ها، به‌خصوص پاورقی‌هایی که به شرح حال دانشمندان و دیدگاه‌های آنها پرداخته در فرایند تدوین به مجموعه افزوده شده و جزو متن گفت‌وگوها نیست. در مواردی که نکته‌ای از طرف صاحب‌نظر محترم مطرح شده و برای ذکر در متن گفت‌وگوها مناسب نبوده، در پانویست آمده و در این گونه موارد نام صاحب نظر در انتهای پاورقی درج شده است؛

عریضه کار در توصیف افراد و دانشمندانی که در متن گفت‌وگوها مورد اشاره قرار گرفته‌اند به این نحو است که نام هر دانشمندی که برای اولین بار مطرح شده است، در پانویست آمده و نام کامل، تاریخ تولد و وفات، دیدگاه‌ها و آثار و نیز شاگردان و استادان وی مطرح شده است. طبیعی است که گاهی در مورد نویسنده یا دانشمندی، توضیحات مفصلی آمده، و در مورد برخی دیگر، توضیحات مختصرند. در این باره تفاوت میزان اهمیت نویسنده، و تفاوت حجم مطالبی که درباره او در دسترس تدوین‌کننده بوده است، نقش داشته است.

در انتها از همه عزیزانی که در تدوین و تهیه این مجموعه کوشیده‌اند، به‌خصوص اساتید معززی که با حضور خود در میزگردها امکان تهیه چنین مجموعه‌ای را فراهم آوردند نیز دست‌اندرکاران محترم مدیریت تدوین متون که در جهت آماده‌سازی این کتاب زحمات زیادی را متقبل شدند و خود را شریک برافروختن این مشعل معرفت کرده‌اند به سهم خود تشکر و قدردانی می‌کنم و از خداوند متعالی برای ایشان اجر جزیل می‌طلبم. امید است با تفضل و عنایت حضرت حق، آنچه در این میزگردها رخ داده و به صورت این اثر گرد آمده است، آغازی برای کارهای دیگر و پربارتر باشد و آنچه انجام شده مورد رضایت خداوند متان و ولی‌اش، حضرت حجت علیه السلام، واقع شود.